

3319

۲۵۰۰

۱

۳۲۸

وادی



www.ketab.ir

تقدیم به فرمانده گمنام و مظلوم
سردار شهید «صیاد محمدی»
که بعد از ۳۶ سال یافتنش و تنها
چند ماه بعد، داغ بر دل نهاد و
پرواز کرد.

ناگفته‌ها

حمید داودآبادی



ناگفته‌ها

سرشناسه: داودآبادی، حمید؛ ۱۳۳۴ | عنوان و نام پدیدآور: ناگفته‌ها / حمید داودآبادی
| مشخصات نشر: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷ | مشخصات ظاهری: ۳۲۸ صفحه؛
۲۱/۵ × ۱۴/۵ (مصور) | وضعیت فهرست نویسی: نیا | قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال |
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۷-۶۷-۹ | موضوع: داودآبادی، حمید، ۱۳۳۴ — جنگ ایران و
عراق ۱۳۶۷-۱۳۵۸ — خاطرات | رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۳۱۲۵/۱۱۵۶۱۶۱ | رده بندی
دیویی: ۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵ | شماره کتابشناسی ملی: ۰۵۰۲۱۴۵

Iran-Iraq War, 1988-1980 -- Personal narratives |

ناگفته‌ها | نویسنده: حمید داودآبادی | انتشارات: شهید کاظمی | ثبت
چاپ: اول / زمستان ۹۷ | شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه | قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال
| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۷-۶۷-۹ | مدیریت هنری و آماده سازی: مؤسسه
شهید کاظمی / عبدالمهدی آگاه منش |

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران،
طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ | شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶
www.manvaketab.ir | سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱



<http://i.instagram.com/nashreshahidkazemi>



<https://telegram.me/Nashreshahidkazemi>

فهرست

- ۱۰ | مقدمه نویسنده
- ۱۲ | دیدار با امام خمینی (ره)
- ۳۲ | امام خمینی و هیپنوتیزم!
- ۳۷ | کلت برونینگ و قانون گرایی آقا
- ۴۰ | نظر حضرت آقا درباره یک عکس
- ۴۳ | خاطره آقا از شهید عباس بابایی
- ۴۴ | خاطره مقام معظم رهبری و سید حسن نصرالله
- ۴۷ | ناگفته‌هایی از سید حسن نصرالله
- ۵۰ | تبارف، ارمد نه، مد داره!
- ۵۳ | دوست عراقی من!
- ۵۸ | چشم در چشم صهیونیست‌ها
- ۶۱ | سید حسن نصرالله و صیصی میصی!
- ۶۵ | مسجد قائم بیروت، میعادگاه شهادت طلبان
- ۷۱ | در باغ شهادت، برای دیگران باز شد!
- ۷۵ | یکی پیدا شد که زده روی دست من!
- ۷۸ | اولین پوستر دبیرکل حزب الله لبنان
- ۸۳ | فرار آمریکایی‌ها از جاده امام خمینی (ره)

پایگاه جاسوسی صهیونیست‌ها در لبنان	۸۶
حزب الله و مقابله با فتنه	۸۹
عاشق شوید	۹۲
عاشق مردم گرد	۹۴
اخراجی‌های جنگ	۹۷
الهی قلبی محبوب...	۹۹
نصیحت جالب فرمانده	۱۰۱
چرا کسی پاسخ‌گوست؟	۱۰۲
عاقبتی همچون طلحه و زبیر	۱۰۶
همه یادگاری‌هایم از خرمشهر	۱۰۸
دل‌برودل!	۱۱۰
ظروف چندبار مصرف در جبهه	۱۱۲
نامه‌رسان فداکار	۱۱۳
زوبازی در جبهه	۱۱۴
زیرآفتاب سوزان فکه	۱۱۵
آخه این جوری خبرشهادت می‌دهند؟!	۱۱۷
شباهت جالب در جنگ	۱۱۹
یاد یاران سفرکرده	۱۲۱
نوشتن با درد و زخم	۱۲۳
سه دیدار با شهید حاج حسین همدانی	۱۲۴
عکس بی‌بها نه!	۱۲۹
حدیث عاشقی	۱۳۱

- ۱۳۳ | رانت خواری برادر حاج رضا
۱۳۵ | داداشم رفت
۱۳۶ | دم مسیحایی امام خمینی
۱۳۸ | کاش ظاهرین نبودم!
۱۴۰ | به یاد شهید مجتبی کاکلی قمی
۱۴۲ | پایی که جا ماند!
۱۴۴ | شب به خیر فرمانده!
۱۴۶ | پُست و مقام شهدا
۱۴۸ | همه من در شلمچه
۱۵۰ | به کجا چنین خرامان؟
۱۵۳ | فیش حقوقی حسن یخی
۱۵۶ | دلم برایت تنگ شده مجید، دل بندم!
۱۵۸ | از نورسواری تا کاخ نشینی
۱۶۱ | بوسه به پای مادر شهیدان بصیر
۱۶۴ | دو دوست، یک برادر، یک بازگشت
۱۶۶ | یادی از سردار شهید فرامرز ملایی
۱۶۹ | یک بچه کوچک داشت که منم
۱۷۲ | چرا از شهید احمد پاریاب نمی نویسم؟
۱۷۵ | به احترام سرداران خون و شهادت
۱۷۷ | برای عباس فروتن، بچه محل و هم رزم قدیمی
۱۸۰ | برای اولین سالگرد شهید روح الله قربانی
۱۸۲ | چقدر دلم بابام رو می خواد!

خیلی دوستت دارم!	۱۸۴
سعید دنبال چه بود؟!	۱۸۶
سلام عمو جون!	۱۹۱
برای شهید محمودرضا بیضایی	۱۹۴
همه شهدا ماه بودند!	۱۹۷
سیاست طیب خان و بی سیاستی ما!	۲۰۰
ناگفته‌ای از شهید مصطفی کاظم‌زاده	۲۰۲
حلالم کن آقا مصطفی	۲۰۸
حلالم کن آقا محمد رضا!	۲۱۲
خروئفت نا خود خرم شهر...	۲۱۷
من سیکلاس دارم!	۲۱۸
استاد دانشگاه و سردار	۲۲۱
دانشمند فرزانه، استاد معظم	۲۲۳
هفده عمل جراحی روی مخ من!	۲۲۵
اختلاس سه میلیون تومانی	۲۲۷
از «شابد العظیم» تا بالاشهر	۲۳۲
گریه وسط عروسی	۲۳۴
یاد یاران در زندان اوین	۲۳۶
زاهدان، در باغ شهادت	۲۴۲
شهیدان گمنام و مظلوم	۲۴۸
یک بوس جانانه...	۲۵۲
دکتر توپچی	۲۵۴

- ۲۵۵ | بابای موجی
- ۲۵۹ | لباس شویی دستی ویژه جانبازان!
- ۲۶۱ | دام صهیونیستی برای سید عزیز
- ۲۶۶ | خط ترور منافقین از داخل زندان
- ۲۶۸ | منم می خوام پیام!
- ۲۷۰ | اندیمشک، آرامش روحم!
- ۲۷۲ | ای حمید، مدیون خون کیستی؟!
- ۲۷۴ | دکتر حمید داودآبادی!
- ۲۷۶ | "عاشق پر" در شلمچه!
- ۲۸۰ | ما را به حال خود رها کنید
- ۲۸۱ | سهم ما از سفره انقلاب!
- ۲۸۴ | من شاکی ام!
- ۲۸۷ | حمید حق شناس، حمید حق شناس!
- ۲۸۹ | اشکت را نبینم فرمانده!
- ۲۹۲ | همه نامردیم
- ۲۹۴ | فرمانده سلامت است
- ۲۹۵ | مصطفی، جات خیلی خالی!
- ۲۹۷ | عیدت مبارک فرمانده
- ۲۹۸ | فرمانده هم پرکشید و رفت
- ۲۹۹ | آخرین عکس دونفره با شهید
- ۳۰۲ | آخرین روزهای فرمانده
- ۳۰۷ | من برگزیده خداوند هستم!

مقدمه نویسنده

آدم پا به سن که می‌گذارد بیشترین سرگرمی و دل‌خوشی‌اش می‌شود مرور خاطرات گذشته؛ مخصوصاً اگر دوران نوجوانی و جوانی‌اش مصادف شده باشد با تحولات پر حادثه‌ای همچون انقلاب و جنگ!

لطفی که خداوند سبحان به من فرموده، پس از کنجکاوی و دقت نظر، حافظه‌ای است که به مدد آن، خاطرات ارزشمند زندگی خود را ثبت و ضبط کنم؛ خاطرات انقلاب، جنگ و پس از آن که هیچ‌کدامشان سهمیه شخصی من نیست و نخواهد بود. خاطراتی که همراه با رقم خوردن درک‌دانشان، چه خون‌ها که نریخت و چه مشقت‌هایی که بر افراد مختلف وارد شد!

خاطراتم از کودکی تا پیروزی انقلاب اسلامی و حضور در دفاع مقدس تا پایان جنگ، در مجموعه ۱۱ جلدی انقلاب، جنگ، صلح از سوی نشر «یا راه» منتشر شده است؛ اما برخی خاطرات به‌خصوص مربوط به دهه ۷۰ همواره در ذهن و روحم عرض‌اندام می‌کرد.

شاید توفیقی شود دیده‌ها و خاطرات خود را از روزهای پس از جنگ تا

یک دهه، در مجموعه‌ای به نگارش درآورم؛ ولی ترجیح دادم خاطرات
جسته‌گریخته را طی سال‌های اخیر در فضای مجازی منتشر کنم و در این
مجموعه به مخاطبان عرضه کنم.

التماس دعا

حمید داودآبادی

زمستان ۱۳۹۷

davodabadi@gmail.com

telegram.me/davodabadi۶۱

CHANNEL: eitaa.com/hdavodabadi

CHANNEL: telegram.me/hdavodabadi

www.instagram.com/hamiddavodabadi